

معناشناسی معادل‌های واژگانی «جامعه» در سوره اعراف و بررسی تفاوت‌های آن‌ها (مطالعه موردی: امت، قریه، قوم)

دکتر حسن میرزایی نیا^۱

دکتر سید مهدی نور کیندقانی^۲

فرشته ناصری فر^۳

چکیده

مفهوم جامعه (به معنای گروهی از انسان‌ها) در قرآن کریم و به‌ویژه سوره اعراف، با واژگانی متفاوت بیان شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به امت، قریه و قوم اشاره کرد؛ این در حالی است که این واژگان متفاوت هر کدام تأکید بر روی جنبه‌ای خاص از زندگی گروهی از انسان‌ها دارند؛ از همین رو ضرورت شناسایی دقیق معنا و دلالت این واژگان متفاوت در جهت فهم عمیق‌تر مضامین قرآنی، آشکار می‌گردد.

این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی معادل‌های واژگانی مفهوم «جامعه» در سوره اعراف پرداخته و در صدد است از منظر زبانی و معنایی ابتدا هر یک از این واژگان متفاوت را به‌طور کامل تعریف کند و در گام بعدی این موضوع را ریشه‌یابی سپس اثبات نماید که در کلمات اجتماعی سوره اعراف با توجه به معنای کلمه و بافت آیه، فقط همان کلمه می‌تواند در آیه جای گیرد و چنانچه کلمه خاص جای خود را به مفاهیم متناظر دیگر بدهد معنای آیه دچار نقص و نارسایی می‌شود. شایان ذکر است که انتخاب سوره اعراف به آن جهت بوده که در این سوره نسبت به دیگر سوره واژگان معادل دربردارنده مفهوم جامعه، بیش‌تر ذکر شده است.

واژگان کلیدی: امت، قریه، قوم، سوره اعراف، واژه‌شناسی.

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری mirzaineya99@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسئول seyeyed1221@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری rezanzr@gmail.com

مقدمه

یکی از جنبه‌های شگفت آیات قرآن کریم، گزینش دقیق واژگان است. واژگان قرآن چنان به‌جا و درست به‌کاررفته‌اند که در صورت تغییر و جابه‌جایی آن‌ها بافت استوار کلام و بلاغت واژگان از میان می‌رود. این مهم استفاده از بلاغت در قرآن را به ما یادآور می‌شود. بلاغت، یعنی «صدق در معانی با همخوانی اسم، فعل و حروف و گزینش واژگان همگن و دوری گزیدن از کژی» (عفیف البهنسی، ۱۹۸۷: ۵۵) و هم‌چنین گفته‌اند: «بلاغت را بلاغت گویند؛ زیرا معنا را به قلب شنونده رسانده و شنونده آن را ادراک می‌کند.» (عسکری، ۱۳۷۱: ۶)

بحث «ترادف» در قرآن کریم از دیرباز میان دانشمندان علوم زبانی و قرآنی مطرح بوده و مخالفان و موافقانی داشته‌است. مخالفان وجود ترادف در قرآن، آن را مُخَلّ بلاغت دانسته‌اند و از نظر ایشان «وقتی واژه‌ای برای اشاره به یک معنا وضع شود، خلق یک واژه دیگر برای همان معنا کاری بیهوده خواهد بود و در کار خداوند هم عبث راه ندارد» (رئیسیان و کردلویی، ۱۳۹۳: ۸۹) و از دیگر سو موافقانی مانند ابن جنّی هم وجود ترادف را دلیل شرافت زبان عربی می‌دانند نه ناشی از ضعف زبان و استدلال‌ها و دلایلی قابل تأمل را در این زمینه مطرح می‌کنند. (ابن جنّی، ۱۳۹۲: ۱۲۱/۲) البته تفصیل بحث بالا از موضوع و نیز حوصله بحث ما خارج است (برای تفصیل مطلب: همان: ص ۸۸-۹۷؛ نکونام، ۱۳۸۴، منجد، ۱۹۷۷) اما به‌طور مجمل شایان ذکر است که «گاهی دو لفظ بر یک معنا دلالت دارند و هر دو هم نیکو هستند و بر یک وزن هم آمده‌اند، اما هیچ‌یک نمی‌توانند جای دیگری را بگیرند. بر این اساس، مراد از گزینش واژه می‌تواند دو چیز باشد: ۱. ساختار واژه؛ ۲. جایگاه واژه در بافت. در واژگان قرآنی تناسب لفظی و معنوی - به‌طور کامل - رعایت شده‌است. علاوه بر این، لحن کلام نیز در آن وجود دارد که آهنگ واژه با کیفیت مفاد آن یعنی وعده و وعید، ترغیب و ترهیب، امر و نهی، پند و حکمت و جز آن‌ها تناسب دارد.» (معرفت، ۱۴۱۶: ۳۵/۵)

این مقاله، با تأکید بر وجوه معنایی، بررسی واژگانی مفهوم جامعه در سوره اعراف را به عهده گرفته و از این منظر نگاهی به مفهوم یاد شده در قرآن کریم داشته‌است.

باید گفت که هیچ‌یک از دو کلمه عربی «جامعه» و «مجتمع» که نخستین آن دو، در زبان فارسی امروزی و دومینشان در عربی جدید متداول است، در قرآن کریم به کار نرفته‌است. این کتاب شریف برای رساندن معنای «گروهی از انسان‌ها» از کلمات دیگری استفاده کرده‌است که

به ترتیب کثرت استعمال عبارت از قوم (۳۸۳ بار) ناس (۲۴۰ بار) امت (۶۴ بار) قریه (۵۶ بار) و اناس (۵ بار) است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۸۴) در این مقاله سه مفهوم (قوم) (قریه) و (امت) در سوره اعراف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ملاک انتخاب این مفاهیم تکرار بیش‌تر آن‌ها نسبت به سایر کلمات دارای مفهوم «جامعه» در سوره اعراف است. دیگر کلمات اجتماعی در این سوره از این قرار می‌باشند: طائفه، ناس و اناس که می‌توان گفت به‌نوعی می‌توانند زیرمجموعه سه مفهوم اصلی مقاله نیز قرار بگیرند. پیش از ورود به ریشه‌یابی مفاهیم اصلی تحقیق لازم است با یک تعریف مقدماتی از جامعه شروع کنیم تا در مرحله بعد بتوانیم تشخیص دهیم که هر کدام از این سه مفهوم اصلی دربرگیرنده کدام بخش از این تعریف هستند.

در یک تعریف مقدماتی جامعه عبارت است از: «گروه‌هایی کوچک یا بزرگ از انسان‌ها که با پیوندی نادیدنی از طریق آداب و سنن، نظام‌ها، آرا و عقاید و فرهنگ‌های گوناگون با هم پیوند برقرار کرده و در یک بستر زمانی و مکانی جایگیر شده‌اند.» (نجفی، ۱۳۷۱: ۲۳) اگر این تعریف کلی را تجزیه کنیم به سه بخش قابل تقسیم است:

۱. گروه‌های کوچک و بزرگ؛
۲. آداب و سنن، نظام‌ها، آرا و عقاید و فرهنگ‌های گوناگون؛
۳. جایگیری در یک بستر زمانی و مکانی.

۱- فرضیه‌های تحقیق

فرض اصلی مقاله بر این است که هر یک از مفاهیم اصلی این تحقیق یعنی قوم، امت و قریه دربردارنده بخشی از تعریف کلان جامعه است که از آن یاد کردیم. با بررسی کتب معتبر لغوی و تفسیری، در پی اثبات فرض نخست برآمده‌ایم. فرض دیگر مقاله این است که قرآن کریم در هر موردی که از کلمات مربوط به جامعه استفاده نموده، به تناسب نوع تأکید و رساندن مقصود از یک کلمه خاص استفاده کرده است، برای مثال آن‌جا که تأکید بر بستر زمانی و مکانی داشته از کلمه رساننده این مقصود استفاده نموده است و درجایی که گروه‌های کوچک و بزرگ را منظور داشته از کلمه متناسب آن بهره برده است و در موارد دیگر نیز همین‌طور. برای اثبات فرض دوم به سوره اعراف مراجعه نموده و جایگیری بلاغی این سه مفهوم اصلی را در هر یک از آیات به‌دقت بررسی کرده‌ایم.

برای دستیابی به پاسخ دو فرضیه مطرح شده، این مقاله از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

۱. مفهوم شناسی کلمات قوم، قریه و امت (که فرضیه اول را به آزمون می‌گذارد)
۲. جایگیری دقیق کلمات امت، قوم و قریه در سوره اعراف (که فرضیه دوم را در معرض آزمون قرار می‌دهد).

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی مفهوم جامعه و نیز امت و قریه در قرآن، تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعدّد نوشته شده است، از جمله

- مقاله «واکاوی تمایز ماهوی مدینه (شهر) و قریه (روستا) در ادبیات قرآنی»؛ محمّد منان رئیسی، مجله «باغ نظر»، شماره ۴۰، شهریور ۹۵. مؤلف در این مقاله به این نتیجه رسیده است که قرآن برای تمایز شهر از روستا مؤلفه‌ای جدید را تبیین می‌فرماید که عبارت از ایمان به خدای متعال و الزامات آن است.

- مقاله «امت، اجتماع دینی مسلمانان، بررسی قرآن شناختی - جامعه‌شناختی»، ظهیر احمدی، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲، بهار ۸۸.
- کتاب «جامعه و تاریخ» از استاد مرتضی مطهری.

- کتاب «برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن» از محمّدجعفر نجفی علمی.
اما در این دست کتاب‌ها تنها به بررسی جامعه در قرآن به صورت کلی پرداخته شده است و بیش‌تر سعی بر اثبات این امر بوده که جامعه از نظر قرآن دارای واقعیت است، آن‌چنان‌که فرد از نظر قرآن چنین می‌باشد. این کتاب‌ها اگرچه به‌عنوان یک پیشینه مقدماتی برای ورود به موضوع این تحقیق مناسب هستند اما از دو جهت این تحقیق گامی فراتر از آن‌ها برداشته است:

۱. بررسی جداگانه مفاهیم اجتماعی در قرآن؛
۲. بررسی این که هر یک از این برخوردار مفاهیم با توجه به شرایط معنایی و بافت آیه، دارای هویت مستقل می‌باشند و معنای خاص دارند.

پژوهشی دیگر که می‌توان گفت به‌نوعی به اهداف این مقاله نزدیک‌تر به شمار می‌رود، کتاب «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» از استاد محمّدتقی مصباح یزدی است. در این کتاب مفاهیم اجتماعی در قرآن به تفکیک بررسی شده‌اند. این مقاله از دو جهت اهدافی فراتر از این کتاب را - در این موضوع خاص - دنبال می‌نماید:

۱. با توجه به بررسی واژگانی، هر مفهوم، تلاش شده است تا هویت معنایی خاص‌ هر یک از این کلمات استخراج شود؛
۲. به‌عنوان مطالعه موردی، یک سوره انتخاب شده است تا از طریق آن هویت معنایی ویژه هر یک از این کلمات با توجه به بافت آیات مورد بررسی قرار بگیرد.

۳. مفهوم شناسی

۳-۱: اَمَّت

در قرآن کریم «امت» به‌طور کلی در سه معنا به کار رفته است؛ هرچند این معانی به هم مرتبط هستند:

- ۱- «امت» یعنی جماعتی که وجه مشترک دارند. «اُمّ» در لغت به معنای قصد کردن است. در قرآن آمده: «أَمِّينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ» (مائده/۲) یعنی قاصدان خانه خدا؛ بنابراین، امت به کسانی گفته می‌شود که قصد و نظر مشترک دارند. راغب گوید: امت هر جماعتی است که یک چیز، مثل دین یا زبان و یا مکان آن‌ها را جمع کند؛ مثلاً در آیه «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا» (اعراف/۳۸)، «هر زمان که گروهی وارد می‌شوند، گروه دیگر را لعن می‌کنند» منظور اشتراک در کفر و شرک است. در آیه «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ» (نحل/۱۲۰)، «ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا» (ع) به تنهایی یک امت شمرده شده، گفته‌اند: او امتی بود که فقط یک فرد داشت؛ زیرا که آن روز فقط او موحد بود، یعنی ابراهیم (ع) در عبادت خدا در مقام یک جماعت بود؛
- ۲- امت به معنای مدت و زمان. در آیه «وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ...» (یوسف/۴۵)، «و یکی از آن دو که نجات یافته بود - بعد از مدتی به خاطرش آمد - گفت: ... امت را مدت معنا کرده‌اند. البته این هم با معنای اول مرتبط است، به این معنا که شاید از جهت یکنواخت بودن روزها و مهر و موم‌های گذشته، به آن‌ها امت اطلاق شده است. راغب گوید: «وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ، یعنی بعد از گذشتن اهل یک زمان یا اهل یک دین، یوسف را به یاد آورد.» (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۸-۱۱۹) از موارد دیگر استعمال امت در معنای زمان، آیه ذیل است: «وَوَلَّيْنَا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ» (هود/۸) «و اگر عذاب را از آنان تا مدتی اندک به تأخیر اندازیم، مسلماً [از روی استهزا] خواهند گفت: چه عاملی آن را [از آمدن] باز می‌دارد.»

۳- امت به معنای راه و آیین پرستش که در سوره زخرف آیات ۲۲ و ۲۳ آمده است: «جَبَلٌ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ»، «بلکه آن‌ها می‌گویند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و

ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم.» «در این آیه چنان که ملاحظه می‌گردد تعبیر «امت» با تعبیر «آثار به جای مانده از پدران» مترادف گرفته شده است و بی تناسب نیست که مراد از آثار به جای مانده، همان اعتقادات و رسومی باشد که مشرکان به شکل توارث از پدران خود دریافت کرده‌اند. (معارف، ۱۳۸۳: ۲۸۸) «برخی واژه پژوهان امت را به معنای جماعتی دانسته‌اند که برای آنان پیامبری آمده باشد؛ ولی بعضی گفته‌اند «امت» به گروه یا جمعیتی اطلاق می‌شود که به پیامبر و فرستاده الهی ایمان آورده باشند، بنابراین فقط به قومی که برای آن‌ها پیامبری آمده باشد، امت گفته نمی‌شود، بلکه ایمان و پیروی آنان نسبت به آن رسول و فرستاده الهی نیز شرط است. نزد برخی لغویان، «امت» به معنای عالم و نیز مقتدای دارای جایگاهی ویژه آمده است، یعنی شخصی که در علم منحصر به فرد باشد، یا مردم به او اقتدا کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۷) ابن کثیر در تفسیر آیه ۸ سوره هود «وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»، «و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آن‌ها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا می‌گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!») آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آن‌ها بازگردانده نخواهد شد؛ (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود) و آن‌چه را مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گیرد!» می‌گوید: از این واژه برای نشان دادن نوع دین و اعتقاد نیز استفاده شده است. (محمد سالم، بی‌تا: ۵۰۰-۵۰۱، ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۰۶/۷) احمد بن یوسف در عمدة الحفاظ می‌گوید: امت گروهی از مردم هستند که دین یا زمان و مکان واحد آن‌ها را دور هم جمع می‌کند، اعضای یک امت نه اختیاری دورهم جمع می‌شوند و نه اجباری. (یوسف، ۱۴۱۴: ۱۳۳) امت از ماده «آم» به معنای مادر است و در اصل به معنای انضمام اشیا به یکدیگر است و به همین جهت به هر گروهی که در هدف یا در زمان و مکانی واحد جمع گردند، امت گفته می‌شود و لی این کلمه به معنای وقت و زمان نیز آمده است، چرا که اجزای زمان به هم پیوسته هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۰۰/۹) و نیز در بیان آیه ۳۴ سوره اعراف «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»، «برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است؛ و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند.» می‌گوید: امت در اصل به معنای جمعیت و گروه است. اگر می‌بینیم که به پیروان مذهب، امت گفته می‌شود به خاطر آن است که آن‌ها نیز برای خود گروهی می‌باشند. معنای آیه ۳۴ سوره اعراف این است که هر جمعیت و گروهی سرانجامی خواهند داشت، یعنی نه تنها تک تک مردم عمرشان پایان می‌پذیرد، بلکه ملت‌ها هم می‌میرند.

(همان: ۱۶۰-۱۵۹/۶) علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (مردم در آغاز) یک دسته بودند» می‌گوید: کلمه امت به معنای افرادی از انسان‌ها است که دور هم جمع شده باشند، ولی این کلمه گاهی بر یک فرد اطلاق می‌شود، هم‌چنان که در آیه شریفه: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا» می‌بینیم و گاهی بر زمان نسبتاً طولانی مانند آیه: (وَأَذْكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ) و نیز گاهی بر ملت و دین اطلاق می‌شود، هم‌چنان که بعضی از مفسرین کلمه امت را در آیه شریفه (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً) به این معنا گرفته‌اند؛ و اصل کلمه امت از ماده (آم-یأم) گرفته شده که به معنای قصد است و اگر بر جماعت اطلاق گشته بر هر جماعتی اطلاق نشده، بلکه بر جماعتی اطلاق می‌شود که افراد آن دارای یک مقصد و یک هدف باشند و این مقصد واحد، رابطه‌ای واحد میان افراد باشد و به همین جهت توانسته‌اند این کلمه را بر یک فرد هم اطلاق کنند و هم‌چنین در سایر موارد اطلاق آن معنای قصد رعایت شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۸۵/۲) در آیه ۳۸ سوره انعام (وَمَا مِنْ ذَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ) «هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر این که امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارش محشور می‌گردند.» قرآن به تمام جانوران زمینی و هوایی امت اطلاق می‌کند. علامه طباطبایی در المیزان می‌گوید: تفکر دقیق در احوال حیوانات بی‌زبان ما را دلالت می‌کند بر این که برای آن‌ها همانند انسان، عقاید و آرای فردی و اجتماعی می‌باشد که حرکات و سکنات آنان در کسب بقا و جریان زندگی مبتنی بر آن است. (طباطبایی، همان) مقصود از (طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ) پرنده در حال پرواز است، نه در هر حالتی، چون پرندگان در حال پرواز، دسته‌جمعی از منطقه‌ای به منطقه دیگر مهاجرت می‌کنند، وقتی دسته‌جمعی باهم به پرواز درمی‌آیند، هم حرکت دارند، هم قصد و هم مقصد هستند. قرآن کریم از این پرندگان که سه عنصر حرکت، قصد و هدف را دارند تعبیر به امت می‌کند.

یکی از محققین پس از بررسی جامعه‌شناسی واژه قرآنی امت بر همین مفهوم «قصد و هدف» تأکید می‌کند و وجه تمایز امت قرآن را با سایر اجتماعات مدنی و سیاسی در «عقیده‌مند بودن و هدف مشترک الهی داشتن» برمی‌شمارد: «در اندیشه سیاسی اسلام که اختصاصاً در مفهوم امت متبلور شده است، محدودیت‌ها و مرزبندی‌های جغرافیایی و مکانی، تعصبات قومی-نژادی و زبانی،

هیچ نقشی ندارد، بلکه ملاک و معیار در امت اسلامی وحدت عقیدتی و التزام به تعالیم جهانی قرآن کریم می‌باشد» (ظهیری، ۱۳۸۸: ۴۶).

۲-۳: قریه

قریه نام موضعی است که مردم در آن جمع شوند. به خود مردم نیز قریه گویند و در هر دو معنا استعمال می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲: ۶۶۹) قریه زمینی دارای خانه‌های بسیار و اصل آن از «قری» به معنای «جمع کردن» است. (قریت الماء فی الحوض) آب را در حوض جمع کردم. قریه، بلده، مدینه نظیر هم هستند. قریه از قری به معنای جمع کردن است، پس قریه موضعی است که خانه‌ها یا مردم را جمع کرده اعم از آن که ده باشد یا شهر، پس نمی‌شود گفت معنای قریه فقط ده است، لذا مراد از قریه فقط محل اجتماع مردم یا خانه‌ها است و غیر از اجتماع معنای دیگری در نظر نیست و در شهرهایی که به صورت اجتماع و تعاون و همکاری زندگی می‌کرده‌اند، به کار رفته است، مثل «وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف/۱۶۱) «و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آن‌ها گفته شد: «در این شهر [= بیت المقدس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن بخورید (و بهره گیرید)! و بگویند: خداوندا! گناهان ما را بریز! و از در (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید! که اگر چنین کنید، گناهان شما را می‌بخشم؛ و نیکوکاران را پاداش بیش‌تر خواهیم داد.» و مثل «وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ» (یوسف/۸۲) «از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (پرس)! و ما (در گفتار خود) صادق هستیم!» که مراد پایتخت مصر قدیم است. «لفظ مدینه نیز مثل قریه در جاهایی که کفر و جهالت حکومت می‌کرده، به کار رفته است. می‌توان از استعمال قرآن به دست آورد که مدینه به معنای آبادی بزرگ و شهر است و قریه اعم هست.» (قرشی، ۱۳۷۱: ۵-۳/۵) هم‌چنین در تفاوت مدینه و قریه گفته‌اند: «در قریه تجمع بناها یا مردم لحاظ می‌شود و در مدینه نظم و تدبیر و برپاداشتن» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۵/۱۱) برخی معتقد هستند: قریه در اصل به معنای (جایگاه زیست مردمان) است، خواه بزرگ‌ترین شهر جهان باشد و خواه کوچک‌ترین روستای دنیا. قریه به معنای گروهی از انسان‌ها است که در سرزمینی ساکن می‌باشند و حکومتی واحد دارند، یعنی سه مفهوم (ملت) (سرزمین) و (دولت) در زیرپوشش آن قرار می‌گیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۸۸-۸۹) برخی دیگر گفته‌اند: قریه به ده، دهکده، شهر و هر جایی

گفته می‌شود که مسکن و مأوای افراد کم یا زیاد باشد. اگر گروهی از مردان و زنان در مکانی سکونت گزینند، به شکلی که مساکن و منازلشان به هم وصل باشند، محلّ زندگی آنان قریه است. (صفی پور، ۱۳۷۷: ۷۸) در تفسیر نمونه آمده: قریه در زبان قرآن، به معنای هرگونه آبادی است، اعمّ از این که شهر بزرگ باشد و یا کوچک و یا روستا. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۴۵/۵) در تفسیر المنار ذیل آیه ۹۴ سوره اعراف «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ» «و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این که اهل آن را به ناراحتی‌ها و خسارت‌ها گرفتار ساختم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) باز گردند و تضرع کنند!» می‌نویسد: «قریه شهری بزرگ است که زعما و بزرگان امت در آن زندگی می‌کنند که در عرف امروز به آن پایتخت گفته می‌شود و پیامبران در این شهرها برانگیخته می‌شدند، چون اگر اهل این شهرها ایمان می‌آوردند بقیّه بلاد نیز از آن‌ها تبعیت می‌کردند و مؤمن می‌شدند.» (رضا، ۱۳۶۷: ۱۴/۹) علامه طباطبایی در المیزان در تفسیر آیه ۴۵ سوره حج «فَكَأَيُّ مَن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مَعْطَلَةٌ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ» «چه بسیار شهرها و آبادی‌هایی که آن‌ها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، به گونه‌ای که بر سقف‌های خود فروریخت! (نخست سقف‌ها ویران گشت؛ و بعد دیوارها بر روی سقف‌ها!) و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع!»، به‌خوبی جنبه‌های مکانی مفهوم قریه را متذکر می‌شود: «معنای آیه این است که چه بسیار قریه‌ها که ما اهل آن‌ها را به خاطر این که ظالم بودند و درحالی که ظلم می‌کردند، هلاک نمودیم و در نتیجه آن قریه‌های آباد به‌صورت خرابه‌هایی در آمد که دیوارها و سقف‌ها فروریخت و چه بسا چاه‌های آب که تعطیل شد، چون آیندگان کنار چاه برای برداشتن آب همه هلاک شدند، دیگر کسی نیست که از آب آن‌ها بنوشد و چه بسیار قصرهای با گچ ساخته که سگانش هلاک شدند، حتی نشانه‌ای از آن‌ها نمانده است و صدایی از آن‌ها به گوش نمی‌رسد و مقصود از اهل چاه‌ها، ده‌نشین‌ها و مقصود از کاخ‌نشین‌ها، شهری‌ها هستند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۸/۱۴)

نکته مهم دیگر آن که لفظ قریه و جمع آن قُری، در قرآن کریم بیش‌تر در موارد ذمّ به کار رفته، یعنی در آبادی‌هایی که اهل ایمان نبوده و در جهالت زندگی می‌کرده‌اند، چنان که می‌فرماید: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» (انبیاء/۱۱) «چه بسیار آبادی‌های ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آن‌ها، قوم دیگری روی کار آوردیم!» و این مطلبی است که

یکی از محققین پس از مطالعه و بررسی نمونه‌ها و مقایسه نمونه‌های نقیض و توضیح آن‌ها، بر آن تأکید می‌کند. البته نظر ایشان یک دیدگاه است که باید بررسی شود. وی در تبیین تفاوت ماهوی قریه و مدینه از منظر قرآن می‌نویسد: «قرآن کریم مؤلفه‌هایی مانند جمعیت، وسعت، تفاوت شرایط اقتصادی و اجتماعی و غیره را برای تمایز شهر و روستا به رسمیت نمی‌شناسد و خود مؤلفه‌ای جدید را برای تمایز ماهوی شهر و روستا تبیین می‌فرماید که عبارت از ایمان به خداوند متعال و الزامات آن است. بر این اساس در ادبیات قرآنی، هرچند هم که جمعیت و وسعت یک زیستگاه انسانی قابل توجه باشد، برای اطلاق مدینه بر آن کفایت نمی‌کند؛ زیرا از منظر قرآن مؤلفه اصلی برای اطلاق مدنیت بر یک زیستگاه انسانی، ایمان به خدای متعال است» (منان رئیسی، ۱۳۹۵: ۲۵)

۳-۳: قوم

قوم چندین معنا دارد:

ابن فارس در «معجم مقاییس اللغة» درباره قوم می‌گوید: قوم دو معنا دارد که اول بر جماعتی از مردم دلالت می‌نماید و چه بسا به صورت استعاره در غیر مردم استفاده می‌شود و معنای دوم بر راست ایستادن و اراده و عزم دلالت می‌کند؛ بنابراین ریشه قوم دو اصل دارد: ۱- قوم به معنای گروه؛ ۲- قام و مشتقات آن که به معنای ایستادن و اراده کردن است، چون در معنای قام، ایستادن، اراده و عزم نهفته است، به افرادی که در یک جا جمع می‌شوند و یک وجه اشتراکی مثل زبان، دین و جز آن دارند، قوم گفته می‌شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۹/۴)

راغب در مفردات به این معنا اشاره دارد که «قوم در اصل به جماعت مردان اطلاق می‌شود نه زنان» و برای این ادعا هم به آیه «لَا يَسْخَرُونَ قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ» (حجرات / ۱۱) اشاره می‌کند که قوم در برابر نساء قرار گرفته است و هم به این بیت شعر از ادبیات عرب:

وَمَا أَدْرِي وَكَسَتْ أَخَالَ أَدْرِي أَقَوْمٌ آلَ حِصْنٍ أَمْ نِسَاءً (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۴)

طبرسی به نقل از خلیل می‌گوید: «علت این امر آن است که مردان عهده‌دار و قائم به امور می‌شوند: «لقيام بعضهم مع بعض في الأمور» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰/۹)

جماعت مردان را قوم گفته‌اند که آن‌ها قائم و متصدی کارهای مهم هستند. قوم انسان اقربا و نزدیکان او است که با وی در جت واحد جمع می‌شوند، گاهی انسان در میان اجانب واقع می‌شود مجازاً و به جهت مجاورت آن‌ها را قوم خود می‌داند. (قرشی، ۱۳۷۱: ۶۷/۶-۶۸) برخی دیگر گفته‌اند: قوم به

معنای گروهی از انسان‌ها است که به اعتبار یک ملاک، از قبیل خون، نسب، نژاد، خویشاوندی و تبعیت از یک تن، واحد قلمداد شده است. هم‌چنین کسانی که رفتار و اعمالی مشترک دارند، یک قوم دانسته شده‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۸۵) این واژه در زبان عرب به معنای گروه مردان و زنان باهم یا به صورت گروه خاص از مردان آمده است. (فتوی، ۱۴۰۵: ۵۲۰) قوم را به این جهت (قوم) گویند که به کارهای بزرگ در جهت مثبت یا منفی (قیام) کنند. (خوری، ۱۴۰۳: ۱۰۵۳-۱۰۵۴)

۴. جمع‌بندی از مفهوم شناسی سه کلمه امت، قوم و قریه

چنان‌چه اشاره شد فرض مقاله بر این بود که هر یک از مفاهیم این تحقیق دربردارنده بخشی از مفهوم جامعه هستند، اینک با توجه به مفهوم شناسی انجام گرفته می‌توان گفت که:

- ۱- مفهوم قوم دربردارنده گروه‌های کوچک و بزرگ شمرده می‌شود؛
- ۲- مفهوم امت دربردارنده آداب و سنن، نظام‌ها، آرا و عقاید و فرهنگ‌های گوناگون است؛
- ۳- مفهوم قریه دربردارنده جایگیری در یک بستر زمانی و مکانی است.

با این توضیح که در مفهوم «قوم» چنان‌چه در آیات متعدد قرآنی و بالأخص در سوره اعراف اشاره شده است، تمایزات طبقاتی و وجود رهبر و پیرو که جزء انفکاک‌ناپذیر گروه هستند، لحاظ شده است، برای مثال در آیه ۶۶ سوره اعراف می‌خوانیم: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَادِبِينَ» «اشراف کافر قوم او گفتند: ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک مغزی) می‌بینیم، و ما به یقین تو را از دروغگویان می‌دانیم!» که ملأ در این آیه که در داخل قوم حضور دارند، یک طبقه خاص از جامعه به شمار می‌روند. ابی‌هلال در کتاب «الفروق اللغویة» درباره این کلمه می‌گوید: «أَنَّ الْمَلَأَ الْأَشْرَافُ الَّذِينَ يَمْلِئُونَ الْعِيُونَ جَمَالاً وَالْقُلُوبَ هَيْبَةً وَقَالَ بَعْضُهُم: الْمَلَأَ الْجَمَاعَةَ مِنَ الرِّجَالِ دُونَ النِّسَاءِ وَالْأَوَّلُ الصَّحِيحُ وَهُوَ مِنْ مَلَأْتُ وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ الْمَلَأُ الْجَمَاعَةَ الَّذِينَ يَقُومُونَ بِالْأُمُورِ مِنْ قَوْلِهِمْ: هُوَ مَلِيٌّ بِالْأَمْرِ إِذَا كَانَ قَادِرًا عَلَيْهِ وَالمَعْنِيَانِ يَرْجِعَانِ إِلَى أَصْلٍ وَاحِدٍ وَهُوَ الْمَلءُ.» (عسکری، ۱۴۱۹: ۲۹۸) «ملأ اشرافی هستند که زیبایی آن‌ها چشمان و هیبتشان دل‌ها را پر می‌کند. برخی گفته‌اند: مقصود از آن مردان است نه زنان؛ و قول اول درست است که از ماده «ملأت» گرفته شده؛ و می‌توان «ملأ» را جماعتی دانست که عهده‌دار امور می‌شوند و برگرفته از این عبارت می‌باشد: «هو ملئ بالأمر» یعنی او بر کار توانا است؛ و هر دو معنا به یک اصل برمی‌گردد که همان ملء است.» از همین تعریف می‌توان نزدیکی دو کلمه ملأ و قوم را دریافت. ابن کثیر در تفسیر خود ملأ را

بزرگان و سادات یک قوم می‌داند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۳۸۹). علامه طباطبایی در میزان می‌گوید: ملا، اشراف قوم و خواص ایشان هستند و به این نام خوانده شده‌اند که هیبت و منزلت اجتماعی ایشان، قلوب را پر و جمال و زینت ظاهرشان چشم‌ها را خیره و مملو می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۸/۱۸۰) در مفهوم قوم دو گروه مستکبر و مستضعف وجود دارد، گروه مستضعف کسانی هستند که پیامبر الهی را همراهی می‌کنند و گروه مستکبر که در این آیه خاص با کلمه (ملا) مشخص شده از همراهی با پیامبر سرباز می‌زنند. بنا بر آیه ۲۷ سوره هود: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَاكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِآدِي الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ» «اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز گروهی اراذل ساده‌لوح، مشاهده نمی‌کنیم؛ و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی‌بینیم؛ بلکه شما را دروغگو تصور می‌کنیم!» اراذل (که ملا قوم آنها را به این نام می‌خواندند) قشری در مقابل ملا هستند و ملا طبقه حاکمی به حساب می‌آید که از امکانات مادی و رفاهی بالا و قدرت اجرایی و زور برخوردار است. قوم بر طبق معنای ریشه‌ای خود که بر (انجام دادن کار) دلالت دارد بیش‌تر بعد عملی یک جامعه را می‌سازد، در مقابل امت بر طبق معنای ریشه‌ای خود که بر (قصد) دلالت دارد بیش‌تر بعد فکری یک جامعه را نشان می‌دهد. در آیه ۱۴۳ سوره بقره آمده: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ» «همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امتی میانه قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما، آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی‌گردند، مشخص شوند. و بی‌گمان این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است؛) و خدا هرگز ایمان [= نماز] شما را ضایع نمی‌گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است.» بر طبق این آیه، مسلمین و جامعه اسلامی، امت وسط و شهید، قرار داده شده است؛ و این جعل، گویا به معنای آن است که بایستی آنها، جامعه‌ای را بسازند که بتواند رسالت شهادت را به عهده گیرد. در این جا ممکن است به نظر برسد که مفاد آیه جعل امت وسط - که بیانگر

گرفتن روح قومی و ملی از جوامع غیر اسلامی و ایجاد روح اجتماعی دیگری در آن‌ها بر اساس معیار اسلامی است - با مفاد آیه ۱۳ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما به شمار می‌رود؛ خداوند دانا و آگاه است.» تعارض و تضاد دارد؛ اما با تفکیکی که بین دو مفهوم قوم و امت قایل شدیم این تضاد قابل حل است. به این معنا که روح جمعی که امت ویژگی آن را دارد، بر عناصر قومی (شعوب و قبایل) افزوده می‌شود و آن را حیات، حرکت و جهت می‌دهد و این روح جمعی مسلط و حاکم بر روح قبیله‌ای و قومی است. قومیت، ساختی بر اساس روابط خونی و نسبی و سلسله آبا و اجدادی و تأثیرات جمع از محیط جغرافیایی و نحوه معیشت این‌ها است. می‌توان گفت نظام قبیله‌ای و شعبی، نظامی است طبیعی که آماده پذیرش روح جمعی است که گاهی این روح، مستقل از دین و در طول زمان، بنا بر سنت خویشاوندی و یا شرک و جز آن برای ملت‌ها به وجود می‌آید و عناصر قومی و جغرافیایی را شکل می‌دهد و زمانی این روح را دین به وجود می‌آورد؛ بنابراین، ساخت اجتماعی و روح جمعی اسلامی، منافی با نظام قومی نیست. در مفهوم امت، اشتراک در عقیده لحاظ شده است و این که این اشتراک، انسجام اجتماعی را برای پیروان به یک اعتقاد به وجود می‌آورد. به این ترتیب مفهوم امت از قلمروهای محدود زمانی و مکانی درمی‌گذرد و به اندازه کل تاریخ شمولیت می‌یابد؛ یعنی اگر انسانی داخل در یک قوم باشد اما عقایدش با آن قوم سازگار نباشد، حقیقتاً جزء آن قوم محسوب نشده و همراه آن امتی است که با آن دارای اشتراک فکری است. یکی از شواهد محکم بر این که مفهوم امت رساننده سنت و عقاید فکری جامعه است، آیه ۲۲ سوره زخرف است «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ» «بلکه آن‌ها می‌گویند: ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم.» که امت در این جا به معنای نوع عقیده و سبک زندگی است، در واقع کافران جزء امتی به شمار می‌روند که با آن احساس اشتراک فکری داشته‌اند. همین‌طور بر طبق این آیه می‌توانیم بگوییم ویژگی امت این است که می‌تواند خصایص و صفات قومی را در طول نسل‌ها سرایت بدهد. قرآن برای امت، وجود و اجل، کتاب، شعور، فهم، عمل، طاعت و معصیت و پیامبر اعتبار کرده است که در آیات زیر نمود دارد:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف/۳۴) «برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است؛ و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند.» اشاره به زمان و مدت برای امت.

«وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه/۲۸) «در آن روز هر امتی را می‌بینی (که از شدت ترس و وحشت) بر زانو نشسته؛ هر امتی به سوی کتابش خوانده می‌شود، و (به آن‌ها می‌گویند): امروز جزای آن‌چه را انجام می‌دادید به شما می‌دهند!» اشاره به وجود کتاب برای هر امتی.

«وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۱۰۸) «(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آن‌ها را از آن‌چه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد).» اشاره به اعمال خاص هر امت.

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ رَّبِّهِمْ لَا كَلُومًا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مَنَّهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده/۶۶) «و اگر آنان، تورات و انجیل و آن‌چه را از سوی پروردگارشان بر آن‌ها نازل شده [= قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آن‌ها، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیش ترشان اعمال بدی انجام می‌دهند.» اشاره به میانه‌روی و معصیت امت‌ها.

«لَيْسُوا سَوَاءً مَنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» (آل عمران/۱۱۳) «آن‌ها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند؛ و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند؛ در حالی که سجده می‌نمایند.» اشاره به طاعت و عبادت امت.

«كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» (غافر/۵) «پیش از آن‌ها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبران‌شان را) تکذیب کردند؛ و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد

(و آزار دهد)، و برای محو حقّ به مجادله باطل دست زدند؛ اما من آن‌ها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ بین که مجازات من چگونه بود!» اشاره به وجود رسول برای هر امتی. «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس/۴۷) «برای هر امتی، رسولی است؛ هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، به عدالت در میان آن‌ها داوری می‌شود؛ و ستمی به آن‌ها نخواهد شد!» اشاره به وجود رسول برای هر امتی.

بر طبق آیات بالا می‌توان گفت نسبت امت به قوم مانند نسبت روح به بدن است، فعلی که از یک قوم صادر می‌شود، منشأ پیدایش آن در امت (یعنی جهت‌گیری‌های اعتقادی) یک قوم است. بر طبق آیه ۲۱۳ سوره بقره «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» «مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادّی در میان آن‌ها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حقّ دعوت می‌کرد، با آن‌ها نازل نمود تا در میان مردم، در آن‌چه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته و نشانه‌های روشن به آن‌ها رسیده بود، به خاطر انحراف از حقّ و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آن‌هایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آن‌چه مورد اختلاف بود به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.» در کتب تفسیری راجع به این آیه آمده: امت واحد، مربوط به زمان پیش از نوح (ع) است. تا زمان حضرت نوح (ع)، مردم به‌سادگی و بدون داشتن طبقات ممتاز اجتماعی زندگی می‌کردند، سپس این امت واحد از سادگی و یکرنگی به تفرّق و به جامعه‌ای طبقاتی تحوّل یافت. جامعه‌ای که در آن، طبقه‌اشراف و ملاً، پیدا شد و استضعافگر و مستضعف به وجود آمد.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: از آن‌جهت که امت، موجودیت، شعور و اراده دارد و دارای وحدت است، ممکن است این واقعیت در مقطعی از زمان باشد و یا در طول تاریخ به‌صورت جریان‌های هم‌چنان به حیات خود ادامه دهد و به این نحو با افراد خود متحد و یگانه می‌شود؛ بنابراین مفهوم

امت از قلمروهای خاصّ زمانی و مکانی درمی‌گذرد و شمولیت و گستردگی بالایی دارد، در مقابل دو مفهوم قوم و قریه دارای قلمروی خاصّ زمانی و مکانی هستند.

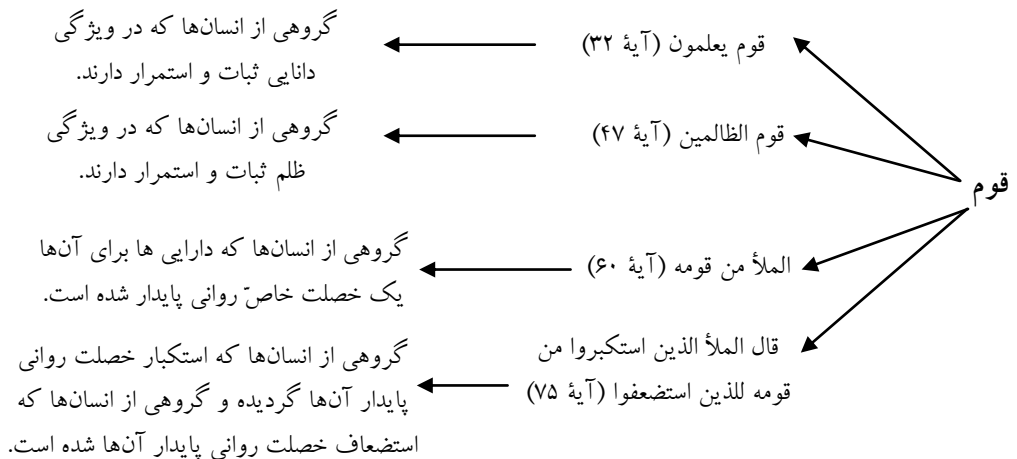
از همین رو در آیاتی از قبیل «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره/۵۵) «و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر این که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» پس صاعقه شما را گرفت؛ در حالی که تماشا می‌کردید.» «اعمالی که قوم بنی‌اسرائیل در زمان حضرت موسی (ع) مرتکب شده بودند به صراحت به بنی‌اسرائیل موجود در زمان نبی اکرم (ص) منتسب می‌شود، با آن که قرن‌ها میان آن دو فاصله است. این خطابات را شاید بتوان به این نحو توجیه کرد که اعمال یاد شده، با آن که از یهودیان در زمان موسی سرزده به گونه‌ای شایع و عامّ بوده که فرهنگ قوم یهود گشته و خصلت آن‌ها شده است و جامعه فعلی یهود به خاطر همان نیت و خصلت‌ها با امت یهود زمان حضرت موسی (ع) از همان امت به شمار می‌آید.» (نجفی علمی، ۱۳۷۱: ۳۱) دیگر این که امت بنا بر معنای ریشه‌ای خود به هم پیوستگی و انسجام را می‌رساند، از همین جهت است که در قرآن کریم به معنای زمان هم آمده است (واذکر بعداً أمة) چون زمان به هم پیوسته است؛ بنابراین جامعه‌ای که امت نام می‌گیرد، شکاف طبقاتی و تمایز بین مستکبر و مستضعف (چنانچه در کلمه قوم می‌بینیم) در آن وجود ندارد، زیرا این شکاف‌ها هم‌بستگی را از بین می‌برد، اما در این نوع جامعه تفاوت در استعدادها وجود دارد، باوجود این که این تفاوت، همبستگی را از بین نمی‌برد، بلکه آن را تقویت می‌کند.

بنا بر آیه ۳۲ سوره زخرف «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» «آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آن‌ها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون نمایند)؛ و رحمت پروردگارت از تمام آن چه جمع آوری می‌کنند بهتر است!» می‌توان از جامعه‌ای یکپارچه سخن گفت که در آن اختلاف در استعدادها نیز وجود دارد. اگر منظور از آیه، ابراز مشروعیت طبقات و اعضای آن (چنانچه در مفهوم قوم می‌بینیم) نیز بود می‌فرمود: «و رفعا بعضهم فوق بعض ليتخذوهم سُخْرِيًّا» یعنی: «بالا بردیم بعضی را فوق بعضی به درجات تا گروه برتر، گروه فروتر را به استخدام بگیرد و استخدام یک‌جانبه باشد». حال آن که به شکل قاعده‌ای کلی فرموده: «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

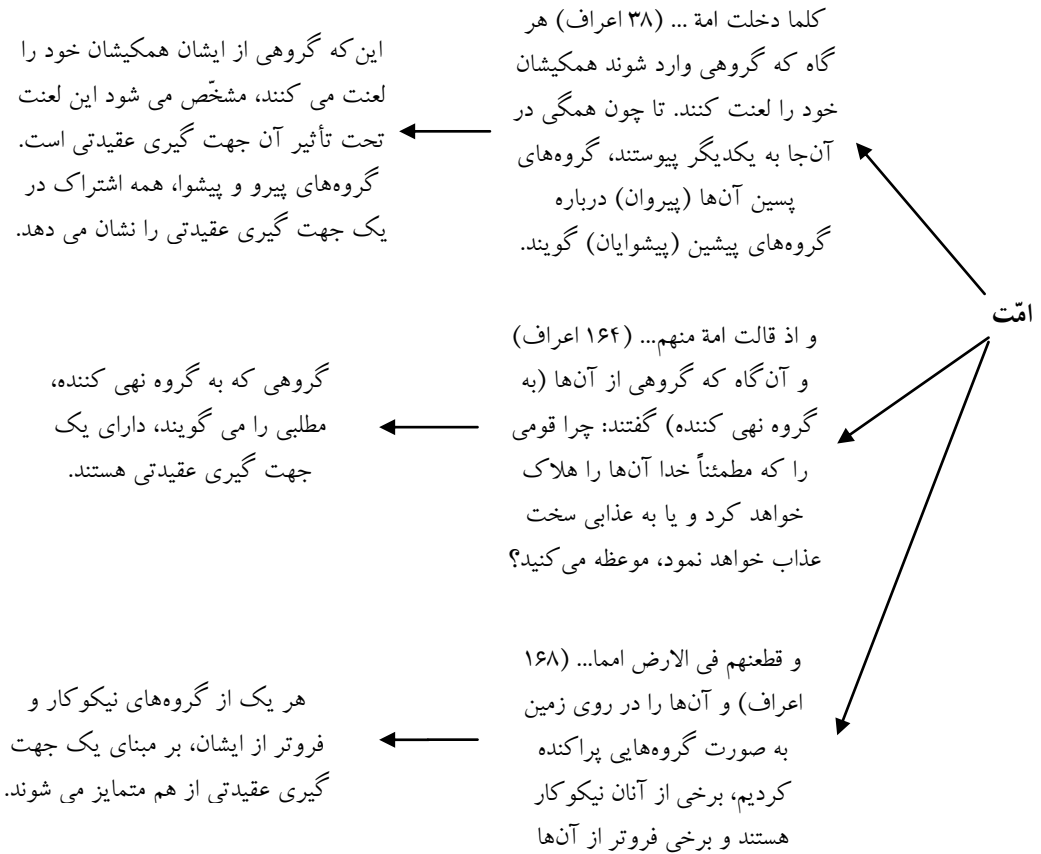
سُخْرِيًّا»، یعنی تا گروهی، گروهی دیگر را به استخدام بگيرد، به گونه ای دوجانبه و متقابل. مفهوم قریه نمایانگر بافت عینی و ریخت شناسی یک جامعه است، در واقع هرگاه در قرآن از این کلمه استفاده شده، تأکید بر نشان دادن بعد زمانی و مکانی یک جامعه بوده است. چنانچه در کتب تفسیری می‌بینیم هرگاه کلمه قریه در قرآن آمده است مفسران دربارهٔ زمان و مکان مصداقی آن گمانه‌زنی کرده‌اند؛ مثلاً گفته‌اند منظور از قریه در این آیه بیت‌المقدس است و جز آن در مجموع می‌توان گفت: مفهوم قریه، تجربی‌ترین و انضمامی‌ترین بعد جامعه را بیان می‌کند، از سوی دیگر، امت، انتزاعی‌ترین و مجردترین بخش جامعه را یادآور می‌شود که بیانگر نظام معنایی و فرهنگی و نحوهٔ اتصال افراد جامعه به هم هست، مفهوم قوم حذافصل بین دو مفهوم امت و قریه است که هم جنبه‌های انتزاعی (که مربوط به ثبات و استمرار می‌شود) در آن وجود دارد و هم جنبه‌های انضمامی (که مربوط به انجام دادن کار است). قوم بیانگر نظام طبقاتی و سلسله‌مراتب موجود در یک جامعه است.

۵. جایگیری دقیق کلمات امت، قوم و قریه در سورهٔ اعراف

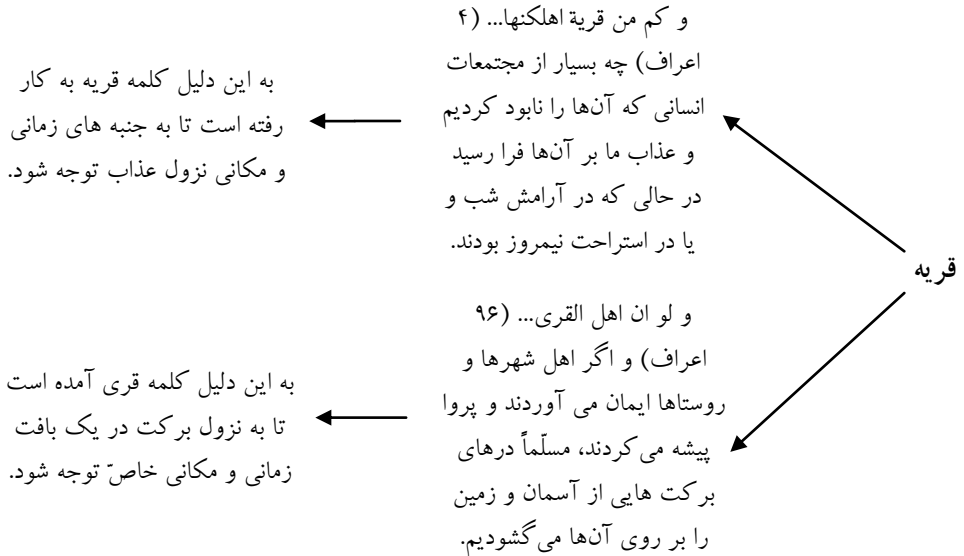
با بررسی هر یک از کلمات قوم، امت و قریه در آیات سورهٔ مبارکه اعراف، درمی‌یابیم که هر یک از این کلمات در بافت آیه، دارای معنای ویژه خود می‌باشند. چنانچه ملاحظه کردیم، قوم به معنای گروهی از انسان‌ها است که این گروه در کار خود، ثبات و استمرار دارند. در سورهٔ مبارکهٔ اعراف در آیاتی که کلمهٔ قوم آمده، کلماتی به کاررفته است که این مفهوم «ثبات و استمرار» را تحکیم می‌کند. در نمودار ذیل این مفهوم بهتر نشان داده شده است:



چنانچه ملاحظه کردیم کلمه «امت» در بردارنده گروهی از انسان‌های باورمند با هدف و اندیشه مشترک الهی است، در سوره مبارکه اعراف و آیاتی که کلمه امت به شکل‌های گوناگون آمده، این مفهوم جهت‌گیری عقیدتی را تحکیم می‌کند.



پیش از این آمد که کلمه «قریه» در بردارنده گروهی از انسان‌ها است که در یک بافت زمانی و مکانی خاص محصور شده‌اند. در سوره مبارکه اعراف در آیاتی که کلمه قریه آمده، کلماتی به کار رفته است که این مفهوم محصور بودن در یک بافت زمانی و مکانی خاص را تحکیم می‌کند:



۶. جمع‌بندی جایگیری دقیق کلمات امت، قوم و قریه در سوره اعراف

با نگاهی به کاربرد مفهوم قوم در سوره اعراف ملاحظه می‌کنیم که این کلمه با دو کاربرد استفاده شده است. قوم به‌عنوان یک موصوف مانند «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف/۳۲) «بگو:» چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ (اگر چه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود.» این‌گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می‌دهیم!» و قوم به‌عنوان یک واقعیت مانند «وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (اعراف/۶۵) «و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی‌کنید؟!» با توجه به معنای لغوی قوم می‌توان این دوگانگی را حل نمود و بین این دو پیوندی محکم برقرار کرد. چنان‌چه ملاحظه کردیم در مفهوم قوم، ثبات و استمرار و به انجام رساندن کار لحاظ شده بود؛ بنابراین می‌توان گفت آن‌جا که قوم

به‌عنوان موصوف آمده است می‌خواهد ثبات و استمرار را در کار آن گروه یادآور شود و هنگامی که قوم به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی می‌آید، ثبات طبقات در قوم و روشن بودن جایگاه‌ها در داخل قوم، موردنظر است.

همان‌طور که گفتیم مفهوم امت دربردارنده گروهی است که دارای جهت‌گیری عقیدتی هستند، این جهت‌گیری نیز می‌تواند موضع‌گیری فعالانه (مثبت یا منفی) و یا منفعلانه (خنثی) باشد. در آیه ۱۶۸ سوره اعراف این موضع‌گیری‌های فعالانه (مثبت یا منفی) را می‌توانیم ببینیم. «وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» «و آن‌ها را در زمین به صورت گروه‌هایی، پراکنده ساختیم؛ گروهی از آن‌ها صالح، و گروهی ناصالح هستند. و آن‌ها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازگردند!» و در آیه ۱۶۴ سوره اعراف موضع‌گیری منفعلانه (خنثی) را می‌بینیم. «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُم وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» «و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آن‌ها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می‌دهید که سرانجام خداوند آن‌ها را هلاک خواهد کرد، یا به عذابی شدید گرفتار خواهد ساخت؟! (آن‌ها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند: (این اندرزها، برای اعتذار (و رفع مسؤولیت) در پیشگاه پروردگار شما است؛ به علاوه شاید آن‌ها (بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و) تقوا پیشه کنند!» در این آیه گروهی که موضع فعالانه دارند مورد سرزنش گروهی قرار می‌گیرند که موضع منفعلانه دارند.

درباره مفهوم قریه در سوره اعراف نیز باید گفت: هر جا این کلمه در این سوره به کار رفته است تأکید قرآن بر روی جنبه زمانی و مکانی خاص یک جامعه بوده است؛ مانند آیه ۴ این سوره: «وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بِأَسْنَانٍ بَيِّنَاتٍ أَوْ هُمْ قَائِلُونَ» «چه بسیار شهرها و آبادی‌ها که آن‌ها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم! و عذاب ما شب‌هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد.» یا در آیه ۹۶ این سوره: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.» در هر دو این آیات، با توجه به قراین موجود در آیه تأکید بر روی بافت زمانی و مکانی در آن جامعه است. در آیه اول تأکید



بر روی بافت زمانی است (درحالی‌که اهل آن قریه به خواب شبانگاهی رفته یا نیمروز غنوده بودند). در آیه دوم تأکید بر روی بافت مکانی است (برکات را از زمین و آسمان می‌گشاییم در مکانی (قریه ای) که مردم آن مکان ایمان آورده و تقوا داشته باشند).

نتیجه گیری

مفهوم جامعه در قرآن کریم با کلمات متفاوت به کار رفته است. بازشناسی و تمایز گذاری بین این لغات متفاوت از این جهت دارای اهمیت است که هر کدام از این لغات رساننده وجهی از وجوه مفهوم (جامعه) هستند. با توجه به تعریفی که از جامعه در ابتدای مقاله ارائه دادیم، سه بخش را در آن بازشناسی کردیم: ۱- گروه‌های کوچک و بزرگ؛ ۲- سنن، آداب و عقاید؛ ۳- بستر زمانی و مکانی. با توجه به مفهوم شناسی انجام گرفته در سوره اعراف از سه کلمه قوم، امت و قریه، نشان دادیم که هر یک از این مفاهیم، بخشی از تعریف مفهوم جامعه را دربرمی گیرند. به این قرار قوم عبارت از گروه‌های کوچک و بزرگ است که تقسیم بندی طبقاتی و جدال مستکبر و مستضعف جزء انفکاک ناپذیر آن است. امت بنا بر ریشه یابی لغوی که از آن انجام دادیم دربرگیرنده وجه عقیدتی جامعه است که این وجه عقیدتی خاصیت‌هایی متعدّد را برای اعضای جامعه ایجاد می کند، از جمله این که افراد جامعه را باهم منسجم می کند، از بستر زمانی و مکانی موجود در یک جامعه خاص فراتر می رود و تمام کسانی را که وحدت عقیده دارند مشمول در یک پاداش یا عذاب خاص می کند، هر چند که در گذشته و یا آینده باشند. مفهوم قریه نیز بنا بر ریشه لغوی خود بافت و بستر زمانی و مکانی یک جامعه را نشان می دهد؛ بنابراین، قریه انضمامی ترین وجه جامعه را ارائه می دهد. در مرحله آخر، جایگیری هر یک از این کلمات را در سوره اعراف بازشناسی کرده ایم. با توجه به مفهوم شناسی انجام گرفته از این سه کلمه و با توجه به قراین موجود در آیه، نشان داده ایم که به چه دلیل در هر آیه از یک کلمه خاص استفاده شده و از کلمات متناظر بهره برده نشده است. در نهایت این تحقیق با تمایز گذاری و بازشناسی مفهومی سه کلمه قوم، امت و قریه، راهی برای فهم عمیق تر این کلمات در سوره اعراف گشوده است.

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم.

- ۲- ابن کثیر (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
- ۳- ابن جنی (۱۳۹۲)، *الخصائص*، تحقیق محمد علی نجار، قم: ذوی القربی.
- ۴- احمدی، ظهیر (۱۳۸۸)، *آمت اجتماع دینی مسلمانان*، علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲، صص ۴۵-۶۷.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق-بیروت: دارالعلم و الدار الشامیة.
- ۶- بهنسی، عفیف (۱۹۸۷)، *فلسفة الفن عند التوحیدی*، الطبعة الأولى، دمشق: دارالفکر.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *جامعه در قرآن*، قم: نشر اسراء.
- ۸- حامد مقدّم، احمد (۱۳۸۷)، *سنت های اجتماعی در قرآن کریم*، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۹- خوری، سعید (۱۴۰۳)، *اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، قم: منشورات مکتبة آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ۱۰- رئیسیان، غلامرضا و ملیکا کردلویی (۱۳۹۳)، «ترادف در واژگان قرآن و مشکلات ترجمه آن»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی صحیفه مبین*، شماره ۵۵، سال بیستم، صص ۸۵-۱۰۶.
- ۱۱- رضا، محمد رشید (۱۳۶۷)، *تفسیر المنار*، قاهرة: دارالمنار.
- ۱۲- ابن فارس، زکریا بن محمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۱۳- صفی پور، عبدالکریم (۱۳۷۷)، *منتهی الارب*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۶- عسکری، ابوهلال (۱۳۷۱)، *الصناعتین*، تحقیق محمد الجاوی، بی جا: نشر الحلبي.
- ۱۷- _____، (۱۴۱۹)، *الفروق اللغویة*، تحقیق عماد زکی البارودی، قاهرة: الدار التوفیقیة للتراث.
- ۱۸- فیومی، احمدبن محمد (۱۴۰۵)، *المصباح المنیر*، قم: دارالهجرة.
- ۱۹- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۲)، *قاموس قرآن*، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیة.

- ۲۰- محمّد سالم، محمود (بی تا)، التیسیر، خلاصة تفسیر ابن کثیر، قاهرة: الشعب.
- ۲۱- مصباح یزدی، محمّد تقی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۲- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۲۳- معارف، مجید (بی تا)، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، تهران: نبأ.
- ۲۴- معرفت، محمّد هادی (۱۴۱۶)، التمهید فی علوم القرآن، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳)، تفسیر نمونه، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، قم.
- ۲۶- منان رئیسی، محمّد (۱۳۹۵) واکاوی تمایز ماهوی مدینه و قریه در ادبیات قرآنی، باغ نظر، شماره ۴۰، صص ۱۹-۲۶.
- ۲۷- منجد، محمّد نورالدین (۱۹۷۷)، الترادف فی القرآن بین النظرية و التطبيق، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- ۲۸- نجفی علمی، محمّد جعفر (۱۳۷۱)، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۹- نکونام، جعفر (۱۳۸۴)، ترادف در قرآن کریم، پژوهش دینی، شماره ۱۲، صص ۸۳-۱۰۰.
- ۳۰- یوسف، الشیخ احمد (۱۴۱۴)، عمدة الحفاظ فی تفسیر أشرف الالفاظ، معجم لغوی لألفاظ القرآن الکریم، بیروت: عالم الکتب.